

“سناریوی سوخته”

تعرض زبونه

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

ظاهرا رهبران و فعالین کارگری و سیاسی و اجتماعی را هدف گرفته تا بلکه مرعوبشان کرده و توده های طبقه کارگر و محرومان را از رهبران و پیشروانشان جدا کند. اما در واقع تعرض مذبحخانه ای است که جنبشهای اجتماعی و در راس آن جنبش کارگری را نشانه گرفته است. ... صفحه ۲

است که حتی دستگاه های قضایی شان نمی توانند بر اساس آن پرونده سازی کنند. این آسمان و ریسمان بافتن و پرونده سازی از ده سال قبل تا کنون بار دیگر نشان می دهد که جمهوری اسلامی زیر ضربات جنبش طبقه کارگر و محرومان جامعه دست و پا میزند. این سناریوی نفرت انگیز،

تلویزیون شبکه ۲ جمهوری اسلامی فیلمی را به نمایش گذاشت که بر اساس پرونده سازی و پاپوشدوزیهایی دستگاههای امنیتی زیر شکنجه، تحت عنوان "طراحی سوخته" تهیه شده است. برای هشتاد میلیون مردم ایران این سناریوی سوخته و آشنا است. این بظاهر تعرض، اما در اساس تلاش زبونه ای

پشت پرده کنفرانس

ورشو

فواد عبداللهی

اواخر بهمن ماه امسال قرار است ایالات متحده آمریکا با میزبانی لهستان در پایتخت این کشور کنفرانسی تحت نام "صلح و امنیت خاورمیانه" برگزار کنند. بهانه "نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی" در این کنفرانس قرار است کاتالیزوری در جهت تعمیق بیشتر شکاف و جنگ اقتصادی و سیاسی بین آمریکا و اروپا باشد؛ همه میدانند که جایگاه خاورمیانه برای آمریکا و اروپا به محل حل و فصل رقابت ها و تخصصاتی که اتفاقا ریشه آن نه در خاورمیانه بلکه در خود غرب است، تبدیل شده است. برخلاف تبلیغات اپوزیسیون راست ایران از رضا پهلوی تا سازمان مجاهدین خلق که خود را در جلوی ویتترین آلترناتیوسازی عموسام چیده اند اما این کنفرانس پرده از واقعیات دیگری برمیدارد.

خاورمیانه بیش از این جایی برای وحدت بورژوازی غرب به سرکردگی آمریکا نیست. شکست سیاسی آمریکا، اروپا را از نظر سیاسی از حوزه فرمانبرداری آمریکا خارج کرده و به جلو صحنه آورد. نه فقط نقش رهبری آمریکا، بلکه خود نهادهایی که محمل و ضامن هژمونی آمریکا بوده اند، نظیر ناتو، مردم زائدتر و بیخاصیت تر بنظر میرسند. انگار کل سیاست خارجی آمریکا جهت و تمرکز خود را از دست داده است. حتی برخی از سر سختترین سلحشوران "نظم نوین جهانی" در راست سیاست آمریکا، امروز به سکوت تن داده اند. ... صفحه ۴

پرده آخر:

یادداشت هایی درباره بحران سیاسی رژیم اسلامی

۳ - ظهور قطب سوم

منصور حکمت

میکنند. از طرف دیگر همین واقعیت پیروزی تک جناحی را از دستور هردو خارج می کند. اگر دوم خرداد شکست بخورد، جناح راست در یک موقعیت سیاه و سفید و قطبی با اکثریت عظیم مردم روبرو خواهد شد.

در این مواجهه، همانطور که خودشان میدانند، جمهوری اسلامی سریعاً در هم خواهد شکست. در نقطه مقابل، شکست راست و پیروزی دوم خرداد مردم را وسیعاً به میدان میکشاند. جنبش سرنگونی طلبی سد ها را میشکند. رژیم اسلامی کنترل اوضاع را از دست میدهد. حکومت دوم خرداد هم بسرعت بزیر کشیده میشود. ... صفحه ۳

در صحنه سیاست ایران قابل مشاهده است. سیاست از این به بعد با حضور مستقیم و بلاواسطه رهبران و پیشقراولان مردم شروع میشود. تاریخ این دوره را باید بر مبنای این حضور مستقل جستجو کرد.

تهدید سرنگونی و فشار روز افزون مردم ناراضی و خواهان تغییر، جناحهای حکومت را بجان هم می اندازد و شکاف میان آنها را مدام عمیق تر

توضیح حکمتیست: مطلب حاضر بقلم منصور حکمت برای اولین بار در نشریه انترناسیونال شماره ۳، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۹ منتشر شده است. روح این نوشته کماکان به اوضاع سیاسی امروز در ایران مربوط است. عبور توده های وسیع مردم از جناح های جمهوری اسلامی با عروج خیزش دیمه ۸۶ مهر خود را بر پیشانی تحولات پیش رو زده است. امروز دیگر "ظهور قطب سوم" کاملاً زنده و فعال

آزادی برابری حکومت کارگری

سناریوی سوخته ...

وحشت نظام سرمایه و ارتجاع اسلامی از همبستگی و پیوستگی طبقاتی و اجتماعی و سراسری شدن اعتراضات کارگری و محرومان جامعه است. از نظر سناریوی سوخته رژیم، همبستگی و پیوند و ارتباط جنبش‌های طبقاتی و اجتماعی و رهبران و نمایندگانشان، جرم است. آه و ناله رژیم از این است که چرا هفت تپه و فولاد و شرکت واحد و رانندگان کامیون و معلمان و بازنشستگان و دیگر بخش‌های کارگری از هم حمایت می‌کنند. این منشا وحشت و ترس نمایندگان سرمایه است و ترسی واقعی است.

اما برای رژیم مفلوک و تحت فشار جنبش‌ها و اعتراضات توده‌ای، جلوگیری از این اتفاق و گسترده تر شدن آن، دیگر دیر شده است. این دست و پا زدن‌ها و پرونده سازی‌ها و سناریوهای سوخته ساختن، جز بی‌آبرویی بیشتر برای این نظام چیزی به بار نمی‌آورد.

دستگاه‌های امنیتی رژیم با نمایش مسخره "طراحی سوخته" و بهم دوختن عبارات شناخته شده‌ای که زیر شکنجه دیکته شده‌اند، مذبحخانه تلاش می‌کنند از فشار طبقه کارگر و

ستم‌دیدگان و گرسنگان بر رژیم شان بکاهند تا موج تعرض طبقاتی را از امروز تا فردا از سر بگذرانند. سر تا پای رژیم از کاخ رهبری تا هیات دولت روحانی و مجلس نشینان و دستگاه‌های قضایی و امنیتی به واقعیت ترسناک تعرض طبقه کارگر و ستم‌دیدگان جامعه آگاهند. جامعه بپاخاسته و طبقه کارگر آگاه برای این توطئه‌های مذبحخانه تره هم خرد نمی‌کند.

همبستگی طبقاتی بخشی از طبقه کارگر که از بافق و آق دره شلاق خورده تا هپکو و چادرملو و از هفت تپه و فولاد و شرکت واحد تا معلمان و پرستاران و رانندگان کامیون و بازنشستگان... شروع شده است، مطلقاً قابل بازگشت نیست. این جنبش با این ترفندهای زیبوانه و سناریوهای سوخته به عقب رانده نمی‌شود. طبقه کارگر و جنبش‌های اجتماعی همراه، مجبور به پیشروی‌اند. این آغاز پایان جنگی است که جمهوری اسلامی چهار دهه است به کارگران و زحمتکشان و زنان و جوانان ایران تحمیل کرده است. جنگ نان! تلاش زیبوانه رژیم برای وصل کردن این جنبش‌ها به دولت‌ها و عوامل خارجی و غیره، نمی‌تواند ذره‌ای از حقانیت این

جدال طبقاتی و اجتماعی بین حاکمان و محکومان در ایران را کم و کم‌رنگ کند. یک وجه دیگر سناریوی سوخته جمهوری اسلامی، وحشت از کابوس کمونیسم بر فراز نظام پوسیده سرمایه است. کمونیسم جنبش اجتماعی طبقه کارگر است. تا زمانی که نظام استثمار و بردگی مزدی وجود دارد و تا زمانی که جامعه به طبقات دارا و ندار، سرمایه دار و کارگر تقسیم شده است، نظام سرمایه داری از کمونیسم و کابوس و شبح آن گریزی ندارد. سناریوی جمهوری اسلامی برای جدا کردن کمونیسم از جنبش طبقه کارگر و نسبت دادن به این و آن فرد و گروه در درون و بیرون طبقه، تلاش سفیهانه‌ای بیش نیست. حزب حکمتیست (خط رسمی) نمایش "طراحی

سوخته" جمهوری اسلامی و دستگاه‌های امنیتی اش را پاپوش‌دوزی و نقشه‌ای کثیف و آبرو باخته، سناریوی سوخته و تعرضی زیبوانه می‌داند که نه تنها رهبران و فعالین کارگری و اجتماعی را نمی‌ترساند، بلکه عزم طبقه کارگر و محرومان جامعه را برای رهایی از استثمار و فقر و گرسنگی و فلاکت جزم‌تر می‌کند. این به اصطلاح "اعترافات" زیر شکنجه، سرسوزنی از محبوبیت و اتوریته رهبران و نمایندگان کارگران در میان طبقه کارگر، کم نمی‌کند. طبقه کارگر رهبرانش را مثل مردمک چشم حمایت و حفاظت می‌کند. لایه‌های گوناگون طبقه چند ده میلیونی کارگر یکی پس از دیگری ورق می‌خورند، رو می‌آیند و بهم می‌پیوندند.

ناقوس مرگ نظام استبداد و سرکوب و استثمار سرمایه در ایران بصدا در آمده است.

ما طبقه کارگر و رهبران و پیشروانشان را به همبستگی و همراهی و پیوند سراسری جنبش طبقاتی شان فرا می‌خوانیم. ما جنبش‌های اجتماعی صفوف زحمتکشان و محرومان و ستم‌دیدگان را فرا می‌خوانیم زیر پرچم و افق آزادی و برابری طبقه کارگر آگاه، صف ببندند.

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقه کارگر و متحدانش

زنده باد کمونیسم

حزب حکمتیست

(خط رسمی)

۲۹ دیماه ۹۷ - ۱۹ ژانویه

۲۰۱۹

کارگران کمونیست! رفقا!

بی‌تردید تنها طبقه کارگر و کمونیسم اش می‌تواند اعلام و تضمین کند که خیزش انقلابی عظیمی که در جریان است، فقط برچیدن جمهوری اسلامی را در دستور ندارد، بلکه این خیزش و قیام و انقلاب آتی، تا در هم کوبیدن قطعی حکومت سرمایه و نظام سرمایه‌داری در ایران، ادامه خواهد داشت.

حذف این رژیم، و خلاصی از جمهوری اسلامی، اولین گام پیروزی و برداشتن مانعی بزرگ بر سر راه مبارزه ضد سرمایه داری و برای آزادی و برابری و حکومت کارگری است.

طبقه کارگر آگاه و کمونیسم اش، باید در صف مقدم و در رهبری و هدایت همه محرومان برای سرنوینی جمهوری اسلامی و تحقق رهایی و خوشبختی قرار گیرد.

ما همه کارگران کمونیست را به پیوستن به حزب کمونیستی خود، حزب حکمتیست (خط رسمی) فرا میخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

پرده آخر ...

هر دو طرف لاجرم بشدت مواظب هستند که اولاً، پای مردم حتی المقدور بطور عملي به میدان کشیده نشود. مردم نظاره گر اوضاع بمانند و به جدال جناحها امید بینند. ثانياً، سیر تحول اوضاع سياسي شتاب پیدا نکند و کند و قابل کنترل باشد. جدال جناحها بناگزییر یک سیر پلکانی مقابله-سازش را دنبال میکنند. هدف این جنگ و گریز بطور قطع دست بالا پیدا کردن در حاکمیت و به تسلیم کشاندن جناح رقیب است. اما اولین قاعده این بازی، اجتناب از اتمام آن است. هر جدال باید به یک سازش جدید منجر شود. همانطور که هر سازش قرار است بعنوان نقطه ای برای شروع یک تعرض جدید بکار برود.

اما همانطور که گفتیم اوضاع اقتصادی ایران، و جنبش سرنگونی طلبی ای که مستقل از فعل و انفعالات میان جناحهای حکومت رو به رشد و گسترش دارد، برای این سناریوی دفع وقت جای زیادی باقی نمیگذارد. در پی هر حلقه تقابل - سازش جناحها، این مردم و جنبش سرنگونی طلبی است که یک گام به جلو بر میدارد. با

هر حلقه، توازن قوا میان مردم و حکومت به زیان کل حکومت تغییر میکند. در حالی که هر دو طرف، و همچنین اپوزیسیون خردادی و رسانه های بین المللی تلاش عظیمی میکنند تا صحنه سياسي ایران را صحنه جدال موافقان و مخالفان آنچه "اصلاحات خاتمی" نام گذاشته اند تصویر کنند، در طول یکسال اخیر وجود یک اردوی قدرتمند مخالف هر دو جناح و بیرون کل این دو قطبی سياسي، دیگر غیر قابل انکار شده است. وقایع تیرماه، موج اعتراضات توده ای در شهرهای مختلف در ماههای اخیر و اکنون تبدیل شدن حزب کمونیست کارگری به موضوع تبلیغات و تحریکات روزمره سخنگویان و رسانه های حکومتی در ایران، هم از جناح راست و هم دو خردادیهها، تصویر کاملاً متفاوتی از اوضاع سياسي ایران در قیاس با چهار سال قبل ترسیم میکند. اکنون دیگر حکومت خود علناً به وجود این تهدید سرنگونی و این قطب سوم اذعان میکند. شعار سرنگونی حکومت از خود رادیو و تلویزیون حکومت پخش شده است. خامنه ای در نماز جمعه علیه کمونیسم و مارکسیستها منبر میبرد، دو

جناح یکدیگر را به آب ریختن به آسیاب اپوزیسیون سرنگونی طلب، ضد دین و بخصوص حزب کمونیست کارگری متهم میکنند. در جریان انتخاب خاتمی در چهار سال قبل، سخن چندان از یک قطب و نیروی سوم نبود. در ماجرای تیرماه امسال، حکومت، از زبان هر دو جناح به وجود گرایش که اعتراض را علیرغم میل هر دو طرف به خیابانها کشید، اعتراف کردند و علیه آن گرایش بساط تهدید و ارباب راه انداختند. در دوره پس از کنفرانس برلین حکومت حتی ناگزیر شده است به هویت سياسي و سازمانی گروهها و نیروهای دخیل در این قطب سوم بپردازد و برای اولین بار پس از سالها، از وجود یک جنبش "براندازی" و یک اپوزیسیون کمونیستی در مقابل خود سخن بگوید و جدال با این قطب را در دستور نهادها و بلندگوهای تبلیغاتی اش بگذارد.

این موقعیت نیز به سرعت متحول خواهد شد. احزاب بیرون حکومت و مخالف

کلیت رژیم اسلامي با شتابی فزاینده در مرکز توجه مردم و جامعه و بناگزییر خود حکومت اسلامي قرار خواهند گرفت. دو قطبی جناح راست - دوم خرداد، بسرعت جای خود را به یک تصویر متنوع تر و چند وجهی تر از سیاست در ایران میدهد. رویدادهای اخیر از این نظر بویژه حائز اهمیت بودند که به داستان کهنه اپوزیسیون "داخل" و "خارج" خاتمه دادند. معلوم شد "اپوزیسیون خارج" که در کلام دوم خردادیهها و رسانه های غربی عنوانی برای توصیف مخالفین هر دو جناح است. یک نیروی فوق العاده قوی "داخل کشوری" است که مستقیماً در سرنوشت قدرت سياسي در ایران دخیل است.

دور جدید مقابله جناحها که با پیشروی انتخاباتی دوم خردادی ها شروع شد و به ضد حمله وسیع جناح راست منجر گردید، اکنون به نقطه سازش دوره ای دیگری نزدیک میشود. چند روز آینده و تعیین تکلیف مجلس ششم، مشخصات

(ادامه دارد)

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت، بدون زندگی در شرایطی امن، که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب، و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع، به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند. ممکن نیست.

بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند، تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست.

مرکز بر جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم

پشت پرده ...

بدین لحاظ بهانه "نفوذ ایران در منطقه" نه تنها به دولت آمریکا امکان نمیدهد که برای معکوس کردن این روندها در مقابل رقبای دیگر مانند دوره "جنگ خلیج" وارد عمل شود و "اعاده رهبری" کند بلکه بیشتر شبیه یک بالماسکه است. شکست جهان تک قطبی و تولد جهان چند قطبی، واقعیت وجودی خود را ورای همه جنگها و تخریب های گذشته، به جهان سرمایه تحمیل کرده است. بر متن این اوضاع، کنفرانس ورشو قرار است قطب آمریکا و متحدین اش را فعلا در مقابل اروپا بخت کند. همین!

در این میان همانطور که اشاره کردیم، مانور اپوزیسیون راست ایران حول کنفرانس ورشو و بزرگ نمایی "خطر" حمله نظامی به ایران دیدنی است؛ ناگهان جناب رضا پهلوی که تا دیروز مدافع سرسخت حمله نظامی به ایران بود و کفش و کلاه کرده بود چلیبی ایران شود و نشد، اخطار میدهد که راه مواجهه با ایران از حمله نظامی نمیگذرد. نهایت آمال ایشان اینست که در یک خلاء قدرت سیاسی در ایران، بدون حضور قدرتمند مردم و کمونیستها و طبقه کارگر در میدان، بتواند از نیروهای درون حکومتی یاریگیری کند و با یک "انقلاب نارنجی" و "مسالمت آمیز" پس از

مرخص شدن بخشی از سران حکومت و تحویل دادن دولت و ارگانهای حاکمیت به ایشان، مردم ایران نیز مانند یوگوسلاوی و اوکراین و عراق به "دمکراسی" و رهایی میرسند!! این پرچم "برافراشته" جنگ سردی قرار است به نجات مردم ایران بشتابد!

جناب پهلوی! این نوع آلترناتیو جنگ سردی و پرچم کمونیسم ستیزی در قلب کمپ پیروز آن، یعنی غرب، به ته رسیده است. برافراشتن آن توسط شخصیتهای جهان سومی عقبمانده از قافله جهانی، بخصوص علم کردن آن در ایرانی که در آن طبقه کارگر، چپ و کمونیسم آن، بلقوه و بلفعل، همین الان یک جنبش قدرتمند و در میدان است، اگر غیر ممکن نباشد ساده نیست. رضا پهلوی اگر میخواهد واقعا آلترناتیوی باشد که کمپ آمریکا روی آن حساب باز کند باید به سازمان مجاهدین خلق دگردیسی کند. آلترناتیو نزد آمریکا، آنهم آمریکای ترامپ، چیزی جز داعش، ارتش آزاد سوریه، جبهه النصر، سازمان مجاهدین خلق، باند عبدالله مهتدی و حزب دمکرات آقای هجری و ... نیست. قیافه و پز مدنی و مدرن و "مسالمت آمیز" بخود گرفتن جایی در آلترناتیوسازی های "جامعه بین المللی" ندارد. اگر کسی یا جریانی مشتاق

است روی کول "جامعه بین المللی" به نان و نوایی برسد باید میان جبهه سناریو سفیدها با جبهه سناریو سیاه ها، گزینه دوم را انتخاب کند؛ اینجا دیگر مسئله بر سر انتخاب است؛ به همین سادگی! بدین لحاظ، همیشه شانسی سازمان مجاهدین و کنتراهای قومی از قماش سازمان عبدالله مهتدی برای پذیرفته شدن بعنوان آلترناتیو در کمپ آمریکا بیشتر از رضا پهلوی و جمهوری خواهان و مشروطه خواهان است. این جمعیت از نظر سیاسی بی آینده فقط و فقط برای قیچی کردن پروسه قدرتمند شدن و قدرت گیری پایین، محرومین، طبقه کارگر، زنان و جوانان و دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، به میدان آمده اند. این رگه راست جهان سومی دیر به بازار آلترناتیوسازی توسط غرب رسیده است.

آنچه نسیم آن همین امروز در ایران در ورزش است، عروج طبقه کارگر و سوسیالیسم در صدر تحولات سیاسی است. این جنبشی است که نه برای "سکولاریسم" قسطی، نه برای مسالمت آمیز، و نه برای خشونت قانونی ناتو و سازمان ملل، به حرکت درآمده است. این جنبش قدرت خود را از اعتراض قائم به ذات مردم و دخالت اجتماعی مردم در سرنوشت خویش میگیرد.

نشریه حکمت

حزب حکمتیست (خبرنامه)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

[@HekmatistKhatRasmi](https://t.me/HekmatistKhatRasmi)

فدای حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

این جنبش قدرت خود را نه از آزادی به شکل یوگوسلاویزه شدن ایران و نه انقلابات نارنجی، بلکه از یک انقلاب اجتماعی میگیرد. این جنبش محصول حمله مستقیم یابین به بالاست. بروی پرچم سرخ این جنبش نوشته شده است: زنده باد انقلاب کارگری!

سایت آرشیو مجموعه آثار

منصور حکمت

<http://hekmat.public-archive.net/>